

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نسیم باران  
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۲

## طالبان جهادی؛ مدافعان حبیب الله کلکانی و دشمنان امان الله خان

یکی از همسرشتی طالب و جهادی، ضدیت با امان الله خان و تقدیر از حبیب الله کلکانی است. ضدیت نفرتبار با امان الله خان، نه ضدیت با شخص او بلکه ضدیت با سیکولاریزم، پیشرفت و حقوق زنان است.

لطیف پدرام، هارون معترف، رزاق مأمون و .... با طالب ها، شورای نظاری ها، جمعیتی ها، سیافی ها، گلبدینی ها مخرج مشترک علیه امان الله خان و عشق به حبیب الله کلکانی دارند. در این میان، آنهایی که بیشتر از همه اکت و ادای روشنفکری و تمدن در می آورند و سمپاتی عمیق به احمدشاه مسعود دارند، بدون وقفه زهر عقده و کینه شان را علیه امان الله خان می چکانند و بر استخوان های پوسیده حبیب الله کلکانی خادم دین رسول الله و پیشوای ملاحبت الله جشن افتخار و غرور برپا می کنند، اینها را می توان طالب های جهادی خواند. این طالب ها، ملاعمر قومی شان را دوست دارند و از امان الله خان سیکولار و ترقی پسند نفرت دارند.

دیده شده که اکثریت مطلق فاشیست های غیر پشتون، با ایدئولوژی و فکر طالبی و امارتی مشکل ندارند. مشکل شان، نبود امارت خودی و حضور ملاحبت الله خودی بر مسند قدرت است. خادم دین رسول الله، قهرمان معنوی «جبهه مقاومت ملی» است. هیچ کس، تأکید می کنم، هیچ کسی در «جبهه مقاومت ملی» پیدا کرده نمی توانید که سجده به پای خادم دین رسول الله نزنند و قهرمانش نباشد. قهرمان «جبهه مقاومت ملی»، قهرمان طالب ها نیز است.

«جبهه مقاومت ملی» دروغ می گوید که برای ارزش های دموکراتیک می جنگد. بفرمائید از احمد مسعود، امر الله صالح، معنوی، حفیظ منصور و دیگران در باره جایگاه خادم دین رسول الله سؤال کنید، پاسخ شان حیران کننده نخواهد بود. این ها به خادم دین رسول الله ایمان دارند، همان کسی که مثل ملا عمر و ملاحبت الله می اندیشید: «ترک ستر (کشف حجاب) را که شاه قبلی حکم کرده بود مسترد کردم. برآمدن زنان و دختران بالغه را بدون اجازه ولی شان و مکتب مستورات را موقوف کردم... امر معروف و نهی از منکر را که شاه مانع شده بود رواج دادم. مردان لنگی به سر کنند؛ لباس محلی بپوشند و ریش شان را نتراشند». خادم دین رسول الله «جبهه مقاومت ملی» و سایر جهادی ها، چه تفاوتی فکری و ایدئولوژیک با ملاعمر و ملاحبت الله امارتی دارد که اکثریت مطلق شاعران، فرهنگیان، هنرمندان، نویسندگان و فعالان سیاسی که به جبهه فاشیسم غیر پشتون تعلق دارند، به پای او سر تعظیم فرو می آورند و در مقابل امان الله خان را نفرین می کنند؟ تا اکنون از هیچ عضو ارشد و غیر ارشد «جبهه مقاومت ملی»، از حامیان کلیدی و غیر کلیدی جهادی ها و از هیچ نویسنده و فرهنگی مرتبط به فاشیسم غیر پشتونی، افشاء فکر پوپنک زده حبیب الله

کلکانی را نه تنها سراغ نداریم، بل هر چه داریم دفاع از او و نفرت از امان الله است. پاکی یک جریان که ادعای مبارزه علیه فاشیسم دینی و افکار پوده و فرسوده طالبانی را دارد، تعظیم در برابر طالب و خادم دین رسول الله خودی نیست، افشای آن است؛ چیزی که هم «جبهه مقاومت ملی»، هم جهادی‌ها در کل و هم فاشیست‌های غیر پشتون آن را معادل مرگ خود می‌دانند.

در کنار پیروان پروپاقرص فوق‌الذکر خادم دین رسول الله، شماری از پوپولیسیت‌ها نیز بدون ارزیابی ماهیت «جبهه مقاومت ملی» در صدد تشویق مردم به حمایت از این «جبهه» هستند. «جبهه مقاومتی» که بر استخوان‌های پوسیده فاشیسم دینی حبیب الله کلکانی و برهان الدین ربانی و احمدشاه مسعود و مخالفت کین توزانه با امان الله خان بنا شده، هر چه بوده می‌تواند جز مقاومت واقعی مردم ما علیه فاشیست‌های دینی طالبی و جهادی. با حبیب الله کلکانی، برهان الدین ربانی و مسعود که مخالفان سرسخت سیکولاریزم و زن ستیز بودند به جنگ دشمنان سیکولاریزم و حقوق زنان نمی‌توان رفت. چگونه می‌توان با حامیان و پیروان خادم دین رسول الله به جنگ خادمان دین رسول الله رفت و جامعه دموکراتیک و عاری از فاشیسم دینی ساخت؟ آنی که با خوردن معجون بویناک خادم دین رسول مست و نشئه می‌شود و با دود کردن افیون سیاسی مسعود و ربانی خمار می‌شود، با کجایش می‌توان معجون بویناک دیگر و افیون سیاسی تخدیر کننده دیگر را برداشت؟

همان‌طور که با ملا عمر، ملاهبت الله، گلبدین و سیاف نمی‌توان جامعه دموکراتیک و سیکولار ساخت، با خادم دین رسول الله، ربانی، مسعود، محقق و دیگران نیز نمی‌توان چنین کرد. شگفت آور است که عده‌ای از دوستان، پس از چهل سال جنایت و قیادت بنیادگرائی اسلامی، هنوز به فکر «متحد» شدن با بخشی از بنیادگرائی اسلامی هستند. چهل سال جنایت، خیانت و قیادت بنیادگرائی اسلامی کافی است که در جست و جوی راه دیگر بود و از دنباله روی و حمایت از بنیادگرائی اسلامی و شعب گوناگون آن دست کشید و این مولود نجاست را دفن کرد. اگر چنین نکنیم و بنابر هر علتی، یک طرف بنیادگرائی اسلامی را بگیریم، جز حمایت از بنیادگرائی اسلامی کاری نکرده ایم. حمایت از پیروان خادم دین رسول الله، تفاوت ماهوی با حمایت از پیروان ملا عمر ندارد.